

بخشش و عدالت خداوند

آنگاه که بخشنده شوید مهربان خواهید شد و بنده خدا خواهید شد و تنها بندگی خداوند خواهید نمود، شخصی که تنها بندگی خدا کند مورد لطف و بخشش خداوند واقع خواهد شد، خداوند به او خواهد بخشید تا آنکه او نیز به نیازمندان اجرای بخشش کند، رحم کن تا مورد رحمت واقع شوی، کسی که رحمت خداوند شامل او شود بهره مند از زندگی ناب و جاودان خواهد شد.



پس بسم الله الرحمن الرحيم ،با نام و یاد خدا بخشش نما تا آنکه مورد رحمت و بخشش خداوند واقع گردی.

بدانید مردن زنده شدن است، می دانید که شخص جان از کف داده زنده خواهد شد پس برای او طلب بخشش از خالق را می نمائید، از حالتی مردن و به حالتی زنده شدن، برای حالت دوم شخص طلب بخشش خداوند را دارید.

حال از خود سؤال کنید تا در این حالت انسانی زنده هستید چرا بخشش خداوند را طلب نمی کنید؟

باز هم در نهان وجود می دانید که در حالت انسانی نتوانسته اید وظیفه خود را به انجام رسانید در حالی که اگر از گروه جماد نبات و یا حیوان بودید می توانستید اجرای وظیفه اصلی نمائید.



پس تشخیص انجام وظیفه به درجه انسانی دهید و فرمان خداوند را اجرا کنید.

اینک توجه شما را به چند نکته جلب می کنیم:

۱- خدا بخشنده است، هرآنچه خواهی می بخشد ولی بر اساس عدالت و برکسی می بخشد که تنها بندگی خدا نماید و بنده هوای نفس خود و خودخواهی خود نباشد، کسی که قبل از دیدن خود، دیگر هم نوعان را ببیند.

۲- خداوند قرآن را به پیامبر آموخت، پیامبر قبل از دیدن خود، جهالت هم نوعان را دید و سعی بر آن نمود تا جهالت را به دانائی مبدل سازد و خداوند بر اساس عدالت قرآن را آموزش او داد، قرآن راه دانا شدن است، راهی حقیقی، پیامبر آموخت و حرکت کرد.

بخشش خداوند بر اساس عدالت است، **اگر خود را نساخته باشی به ترازوی عدالت الهی رد خواهی شد** و چون رد شوی بخشش خداوند شامل حالت نشده و هرگز ارتقاء پیدا نخواهی نمود، پس اول خود را بساز.

۳- خداوند انسان را خلق کرد



ابتدا سه بعد اول جماد، نبات، حیوان را آفرینش نمود و آنگاه خلقت چهارم انسان پا به حیات گذاشت، پس دانستید که آفرینش خداوند همراه با ارتقاء است پس انسان از مخلوقات قبل خود وارسته تر می باشد **و باید تلاش کند تا این وارستگی را بدست آورد.** انسان مخلوقی واحد و بی همتاست و هیچ مخلوقی مثل انسان نیست، انسان باید تلاش کند تا آنکه بتواند از ترازوی عدالت الهی عبور کرده و صاحب قدرت و منزلت گردد.

۴- خداوند به انسان تعلیم نطق و بیان فرمود، انسان تنها مخلوقی است که عقل و شعور دارد و تنها مخلوقی است که می تواند بهره مند از علم خداوند شود و همچنین انسان تنها مخلوقی است که قدرت تکلم دارد، انسان تنها مخلوقی است که علم خدا را می تواند آموزش یافته و آنگاه علوم را چهره ظاهری داده و در خدمت خود وارد کند، انسان تنها مخلوقی است که به اراده خداوند توان خلقت دارد.

۵- خورشید و ماه به حساب معین به گردش است، اندیشه و نیروهای مثبت را چون خورشید در نظر آورید که خورشید عامل حیات بر روی زمین است و چنانچه خورشید نباشد حیات زمین از بین خواهد رفت، نیروهای پاکی و صفات مثبت الهی نیز عامل حیات و حرکت انسان می باشد و چنانچه صفات مثبت از وجود شخص خارج شوند نابودی شخص حتمی خواهد شد، نیروها و صفات منفی را چون ماه در نظر آورید، همانگونه که خورشید و ماه طبق فرمان ازلی حکم خود را اجرا می نمایند، صفات مثبت و صفات منفی نیز هر کدام محرکند و حرکت خود را در وجود انسان به نمایش در خواهند آورد و این خود

شخص است که می داند وبه اختیار خود را تحت
تاثیر صفت ها واقع خواهد نمود.

به شکل ظاهر خورشید و ماه هم سطح هستند وگاهی که
ماه جلو خورشید است شما می بینید که سطح خورشید
پوشیده شده و شما هیچ نوری را دریافت نمی کنید، این
هم سطحی به واسطه فاصله بسیار زیاد بین خورشید
و ماه است **و چنانچه فاصله نزدیک شود ماه در برابر
خورشید هیچ خواهد شد، حالت صفت های مثبت و منفی
نیز چنین است.**

درست است که در ظاهر یک صفت مثبت با صفت مقابل
خود هم سطح می باشند ولی این امر تا زمانی است که
فاصله وجود دارد آنگاه که به روز قیامت فاصله
صفر شد و ارزشها پا به میان گذاشت خواهید دانست که
بها صفات نیک چه بی نهایت است و ارزش صفات بد
هیچ خواهد شد، این امر را به پشت و روی سکه ای جویا
شوید.



سکه دو رو دارد که هم سطح هم می باشد، حال دونه فر می خواهند بر سر مسئله ی بسیار مهمی شرط بندی نمایند یکی سطح شیر را انتخاب می کند و دیگری سطح خط را، سکه به هوا پرتاب شده و بر اساس قانون احتمالات برای هر سطح پنجاه درصد احتمال به رو افتادن است، حال هنگام قرار گرفتن سکه بر زمین دیگر ارزش و بهاء سطح بالائی با ارزش و بهاء سطح پائینی با هم برابر نخواهد بود زیرا آنکه سطح بالائی را انتخاب نموده بود برنده شرط شده و آنکه انتخاب گر سطح زیرین بوده است بازنده خواهد

شد، از نظر ظاهر هر دو روی سکه یکی بود ولی **هنگامی**
بر روی هر یک از سطوح شرط بندی شد تفاوت بسیار
شده است، حال بدانید که انسان چون همین سکه است دو
رو دارد که یک طرف یعنی **سمت صفات مثبت توسط**
انسان خدا شرط گذاشته است و سمت دیگر یعنی کسب
صفات منفی توسط انسان شیطان شرط نموده است، تنها
تفاوت این است که سکه در انتها توسط قانون احتمالات به
زمین خواهد نشست درحالی که انسان طبق قانون
اختیار سمت نشستن خود را به روز قیامت معلوم و مشخص
خواهد نمود، همانگونه که سکه مدت زمانی را در هوا
معلق است و مرتب به دور خود می چرخد تا آنگاه که به
زمین نشیند، انسان نیز از زمان آفرینش تا زمان قیامت
مرتب در حال چرخش است و این زمان ثابت است، یعنی
همان روز اول آفرینش انسان، روز قیامت نیز معلوم
و مشخص شده است، آنگاه که روز قیامت فرا رسد همه
انسانها به یک سطح خواهند نشست، یا سطحی که خداوند
شرط نموده و یا سطحی که شیطان شرط نموده
است، در چنین حالتی است که هر کدام از قدرتها نیروهای
خود را جمع خواهند نمود، خداوند آنهایی را جمع می کند
که سطح مثبت دارند و شیطان آنانی را جمع خواهد نمود

که سطح منفی دارند، هر قدرت نیروهای خود را به سمت وعده گاه خواهد برد، خداوند صاحب همه چیز است پس نیروهای خدائی به آزادی ورهائی خواهند رسید و چون شیطان هیچ ندارد و فرصت او نیز روز قیامت به پایان خواهد رسید پس خود او و همراهانش گرفتار عذاب خواهند شد.